رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۶، شماره پیاپی ۱۲۳، شهریور ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(6), 2026

پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان دختر بر اساس عملکرد خانواده و تعامل مادر-فرزند با نقش واسطه‌ای تنیدگی تحصیلی

Predicting Aggressive Behaviors in Adolescent Girls Based on Family Functioning and Mother–Child Interaction with Mediating Role of Academic Stress

ریحانه بنائی
گروه روان شناسی بالینی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
شاهرخ ولی زاده (نویسنده مسئول)
گروه روان شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان دختر بر اساس عملکرد خانواده و تعامل مادر-فرزند با نقش واسطه‌ای تنیدگی تحصیلی انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دختر شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند. به روش نمونه‌گیری در دسترس نمونه‌ای به تعداد ۳۰۱ نفر انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه پرخاشگری (AQ، باس و پری، ۱۹۹۲)، مقیاس عملکرد خانواده (FAD، اپستین و همکاران، ۱۹۸۳)، مقیاس رابطه کودک-والد (CPRS، پیانتا، ۱۹۹۷) و مقیاس استرس تحصیلی برای نوجوانان (ESSA، سان و همکاران، ۲۰۱۱) بودند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحلیل مسیر حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که عملکرد خانواده به صورت غیر مستقیم و از طریق تنیدگی تحصیلی قادر به پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه بود. همچنین تعامل مادر- فرزند هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم و از طریق تنیدگی تحصیلی توانست رفتارهای پرخاشگرانه را پیش‌بینی کند (p‹۰/۰۰۱). این نتایج نشان می‌دهد که تنیدگی تحصیلی نقش مهمی در پیوند میان عملکرد خانواده و رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان دارد. همچنین، تعامل مادر–فرزند نه‌تنها به‌طور مستقیم، بلکه از طریق تأثیرگذاری بر سطح تنیدگی تحصیلی، می‌تواند بروز رفتارهای پرخاشگرانه را پیش‌بینی کند. این نتایج بر اهمیت کیفیت روابط خانوادگی، به‌ویژه تعاملات مادرانه، در پیشگیری از آسیب‌های رفتاری نوجوانان تأکید دارند.

واژه‌های کلیدی: *عملکرد خانواده، تعامل مادر-فرزند، تنیدگی تحصیلی، رفتارهای پرخاشگرانه، نوجوانان.*

Reyhaneh Banaei
Department of Clinical Psychology, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
Shahrokh Valizadeh *
Department of Psychology, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. *shahrokh.va@gmail.com*

Abstract

This study was conducted to predict aggressive behaviors in adolescent girls based on family functioning and mother-child interaction, with the mediating role of academic stress. The present research was descriptive-correlational and of path analysis type. The statistical population of the study was female students in the city of Ahvaz in the academic year 2023-2024. Using an available sampling method, a sample of 301 individuals was selected. The instruments of this study included the Aggression Questionnaire (AQ, Buss & Perry, 1992), the Family Assessment Device (FAD, Epstein et al., 1983), the Child-Parent Relationship Scale (CPRS, Pianta, 1997), and the Educational Stress Scale for Adolescents (ESSA, Sun et al., 2011). Data were analyzed using path analysis. The results of the path analysis indicated a suitable fit of the model. Results showed that family functioning was able to predict aggressive behaviors indirectly and through academic stress. Also, mother-child interaction was able to predict aggressive behaviors both directly and indirectly through academic stress (p‹.001). These results indicate that academic stress plays an important role in the link between family functioning and adolescent aggressive behaviors. Also, mother-child interaction can predict the occurrence of aggressive behaviors not only directly but also by influencing the level of academic stress. These results emphasize the importance of the quality of family relationships, especially maternal interactions, in preventing behavioral problems in adolescents.

Keywords: *Family Functioning, Mother-child Interaction, Academic Stress, Aggressive Behaviors, Adolescent.*

نوع مقاله: پژوهشی | **دریافت: آذر ۱۴۰۴** | **پذیرش: بهمن ۱۴۰۴** | **ویرایش نهایی: شهریور ۱۴۰۵**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]

مقدمه

دوران نوجوانی یکی از حساس‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مراحل رشد انسان است؛ دوره‌ای که با تحولات گسترده زیستی، روانی، شناختی و اجتماعی همراه است و فرد را با مجموعه‌ای از چالش‌های تازه در تعامل با محیط خانواده، مدرسه و همسالان مواجه می‌سازد (جیمنز[1] و همکاران، ۲۰۲۴). نوجوانان در این مرحله با نیاز روزافزون به هویت‌یابی، استقلال‌طلبی و تجربه هیجانات شدید روبه‌رو هستند و همین مسئله آنان را بیش از پیش نسبت به تنش‌های زندگی آسیب‌پذیر می‌کند (برانج[2] و همکاران، ۲۰۲۱). یکی از چالش‌های مهم دوران تحصیل و نوجوانی، بروز رفتارهای پرخاشگرانه است؛ رفتاری که نه‌تنها عملکرد تحصیلی و اجتماعی نوجوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه ممکن است پیامدهای بلندمدتی در سازگاری عاطفی و روابط بین‌فردی او ایجاد کند (فائوزی[3] و همکاران، ۲۰۲۳). رفتار پرخاشگرانه معمولاً به عنوان مجموعه‌ای از اعمال کلامی یا بدنی تعریف می‌شود که به‌صورت عمدی موجب آسیب به خود، دیگران یا اشیاء می‌گردد و می‌تواند در قالب پرخاشگری آشکار، پنهان، کلامی یا غیرکلامی بروز یابد (کیرانیدس[4] و همکاران، ۲۰۲۴). این رفتارها در محیط‌های آموزشی و در تعامل با معلمان و همسالان نمود بیشتری پیدا می‌کند و ازاین‌رو، بررسی عوامل مرتبط با آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به‌ویژه در مورد نوجوانان که در فرهنگ‌های مختلف ممکن است شیوه‌های متفاوتی از ابراز هیجانات و پرخاشگری داشته باشند (هیز و اندرسون[5]، ۲۰۲۴).

از میان عوامل متعدد مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم رفتارهای پرخاشگرانه، عملکرد خانواده[6] جایگاه ویژه‌ای دارد (کیور ایسر[7]، ۲۰۲۳). عملکرد خانواده به توانایی نظام خانواده در برقراری روابط سالم، حل مؤثر تعارضات، مدیریت هیجانات، ایفای نقش‌های سازنده و ایجاد محیطی پایدار، قابل پیش‌بینی و حمایتگر اشاره دارد (برایتس[8] و همکاران، ۲۰۲۵). خانواده کارآمد معمولاً قادر است نیازهای عاطفی، شناختی و اجتماعی فرزندان را تأمین کند، الگوهای ارتباطی منعطف و درعین‌حال ساختارمند ارائه دهد و در مواجهه با فشارهای محیطی، نوجوان را در مسیر حل مسئله، تحمل ناکامی و تنظیم هیجان هدایت نماید (ژانگ[9] و همکاران، ۲۰۲۵). همچنین چنین خانواده‌ای بستر مناسبی برای شکل‌گیری مهارت‌های خودتنظیمی، مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های حل اختلاف فراهم می‌آورد که همگی نقش محافظتی مهمی در برابر رفتارهای پرخاشگرانه دارند (دی رایماکر[10] و دار، ۲۰۲۲). در مقابل، ناکارآمدی خانواده می‌تواند زمینه‌ساز تعارضات مکرر، هیجانات حل‌نشده، سردرگمی نقش‌ها، عدم انسجام در شیوه‌های تربیتی، احساس ناامنی و اضطراب مزمن گردد؛ عواملی که به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های بروز پرخاشگری شناخته شده‌اند (اوهارا[11] و همکاران، ۲۰۲۴). در چنین خانواده‌هایی، فرزندان معمولاً با کمبود حمایت هیجانی، پیام‌های متناقض تربیتی، یا کنترل بیش از حد و یا بی‌توجهی مواجه‌اند؛ امری که ظرفیت آن‌ها را برای مدیریت خشم، تنظیم تکانه و کنترل رفتارهای مخرب کاهش می‌دهد (گواگوسس[12] و همکاران، ۲۰۲۳). نوجوانانی که در خانواده‌هایی با انسجام کمتر، ارتباطات ضعیف‌تر، الگوهای تعارض‌آمیز یا حمایت هیجانی ناکافی زندگی می‌کنند، اغلب در مواجهه با فشارهای تحصیلی و اجتماعی دچار آشفتگی هیجانی می‌شوند و همین ناتوانی در پردازش هیجانات منفی می‌تواند احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه در آن‌ها را به شکل معناداری افزایش دهد. افزون بر این، محیط خانوادگی ناسالم می‌تواند الگوهای رفتاری پرخاشگرانه والدین را به نوجوان منتقل کند و از طریق یادگیری مشاهده‌ای، رفتارهای پرخاشگرانه را به‌عنوان راهبردی برای مواجهه با تعارض تثبیت نماید (کرافت[13] و همکاران، ۲۰۲۳).

عامل مهم دیگری که در پیوند با رفتارهای پرخاشگرانه اهمیت دارد، تعامل مادر-فرزند[14] است (ماندا و دارمایانتی[15]، ۲۰۲۵). تعامل مادر-فرزند یکی از بنیادی‌ترین و تأثیرگذارترین روابط انسانی است که از بدو تولد آغاز می‌شود و آثار بلندمدتی بر رشد هیجانی، شناختی و رفتاری فرزند برجای می‌گذارد. کیفیت این تعامل شامل نحوه پاسخ‌دهی مادر به نیازهای کودک، میزان حساسیت، گرمابخشی، ارتباط

1 Jimenez
2 Branje
3 Fauzi
4 Kyranides
5 Hayes & Anderson
6 family functioning
7 Cure Acer
8 Brites
9 Zhang
10 De Raeymaecker & Dhar
11 O'Hara
12 Goagoses
13 Kraft
14 mother-child interaction
15 Manda & Darmayanti

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]

مؤثر، حمایت هیجانی و الگوهای تربیتی است و این مجموعه رفتارها زیربنای شکل‌گیری سبک دلبستگی و الگوهای تنظیم هیجان در دوران بعدی زندگی به شمار می‌رود (راست[1] و همکاران، ۲۰۲۴). مادر به‌عنوان نخستین منبع دلبستگی و مراقبت، نقش محوری در شکل‌دهی به تنظیم هیجان، سازگاری اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی فرزند ایفا می‌کند و نخستین الگوهای حل مسئله، تحمل ناکامی و مدیریت تعارض را در تعامل با او بنیان می‌گذارد (پرایس و کیل[2]، ۲۰۲۲). تعامل سازنده، گرم و پاسخگو می‌تواند در نوجوانان احساس امنیت، کفایت، ارزشمندی و پیوند عاطفی را تقویت کند و آنان را در مدیریت تعارضات، کنترل تکانه‌ها و ایجاد روابط سالم با همسالان یاری رساند. چنین تعاملی علاوه بر کاهش هیجانات منفی، موجب افزایش تاب‌آوری، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و احساس حمایت ادراک‌شده می‌شود که همه این عوامل نقش محافظتی در برابر بروز پرخاشگری ایفا می‌کنند (تانگ[3] و همکاران، ۲۰۲۳). در مقابل، تعاملات سرد، طردکننده، کنترل‌کننده، غیرمنسجم یا پیش‌بینی‌ناپذیر می‌توانند زمینه‌ای برای طغیان هیجانی، احساس بی‌ارزشی، ناکامی مکرر، اضطراب و در نهایت، بروز رفتارهای پرخاشگرانه فراهم سازند. تعاملات منفی ممکن است نوجوان را در چرخه‌ای از عدم اعتماد، تنش مزمن و ناتوانی در تنظیم هیجان قرار دهد؛ چرخه‌ای که به‌ویژه در دوران پرچالش نوجوانی می‌تواند شدت بیشتری پیدا کند (زیمر گمبک[4] و همکاران، ۲۰۲۲).

با وجود اهمیت عوامل فوق، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، اثرات این متغیرها بر رفتارهای پرخاشگرانه به صورت غیرمستقیم و از طریق عوامل میانجی رخ می‌دهد. یکی از این عوامل که به‌ویژه در دوران نوجوانی و در بستر نظام آموزشی نقش قابل‌توجهی دارد، تنیدگی تحصیلی[5] است (یاگیلو[6] و همکاران، ۲۰۲۵). تنیدگی تحصیلی اشاره به تجربه فشار مداوم، نگرانی و تنش ناشی از وظایف درسی، امتحانات، انتظارات والدین و جامعه، رقابت‌های آموزشی و ترس از شکست تحصیلی دارد. این نوع تنیدگی می‌تواند تعادل هیجانی نوجوان را مختل کند، منابع شناختی او را تحلیل ببرد و ظرفیت او را برای تنظیم هیجان و کنترل رفتار کاهش دهد (گاسر[7] و همکاران، ۲۰۲۵). تنیدگی تحصیلی همچنین با احساس ناکامی، خستگی هیجانی، کاهش انگیزه و افزایش تحریک‌پذیری همراه است؛ مجموعه عواملی که می‌توانند رفتارهای پرخاشگرانه را تشدید کنند (کرافت و همکاران، ۲۰۲۳). پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که خانواده‌هایی با عملکرد مناسب کم معمولاً محیط تنش‌آلودتری ایجاد می‌کنند، انتظارات نامتناسبی از فرزند دارند، حمایت هیجانی کافی ارائه نمی‌دهند و در مدیریت فشارهای تحصیلی ناکارآمد عمل می‌کنند (کالارسی[8] و همکاران، ۲۰۲۵). از سوی دیگر، خانواده‌های کارآمد با برخورداری از نقش‌های مشخص، ارتباطات سالم و حمایتگری عاطفی، می‌توانند فشارهای آموزشی را کاهش دهند و به فرزند کمک کنند تا استرس خود را مدیریت کند (مارتینز یارزا[9] و همکاران، ۲۰۲۴). از سویی دیگر مادری که رابطه‌ای گرم، پاسخگو و حمایتگر با فرزند خود برقرار می‌کند، قادر است احساس امنیت و اعتماد به‌نفس را در او تقویت کرده و شیوه‌های سالم مقابله با تنیدگی را به او آموزش دهد. چنین تعاملی موجب کاهش فشارهای ذهنی نوجوان، افزایش توانایی او در سازمان‌دهی فعالیت‌های تحصیلی و مدیریت هیجانات مرتبط با امتحان و تکالیف درسی می‌شود (گنیووش[10] و همکاران، ۲۰۲۳). در مقابل، تعاملات منفی مادر–فرزند مانند سرزنشگری، کنترل بیش از حد، واکنش‌های هیجانی نامنظم و ارتباط ناکافی می‌توانند استرس تحصیلی نوجوان را تشدید کنند. نوجوانانی که احساس می‌کنند در برابر مشکلات تحصیلی تنها هستند یا مورد حمایت عاطفی کافی قرار نمی‌گیرند، بیشتر مستعد تجربه هیجانات منفی و بروز رفتارهای پرخاشگرانه‌اند (برلا[11] و همکاران، ۲۰۲۲).

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان پدیده‌ای چندعاملی است که از تعامل پیچیده عوامل فردی، خانوادگی و محیطی تأثیر می‌پذیرد. با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه پرخاشگری نوجوانان، هنوز خلأهای پژوهشی قابل توجهی در خصوص بررسی همزمان نقش عملکرد خانواده، تعامل مادر- فرزند و تنیدگی تحصیلی به‌ویژه با تمرکز بر نوجوانان دختر وجود دارد. بسیاری از مطالعات پیشین یا تنها یکی از این ابعاد را بررسی کرده‌اند، یا نقش متغیرهای واسطه‌ای در تبیین این روابط نادیده گرفته شده است. علاوه بر این، بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها در فرهنگ‌های غربی انجام شده‌اند و در زمینه فرهنگی ایران، که ساختار خانواده

1 Rost
2 Price & Kiel
3 Tang
4 Zimmer-Gembeck
5 academic stress
6 Jagiello
7 Gasser
8 Calaresi
9 Martinez-Yarza
10 Gniewosz
11 Berla

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]

و نقش والدین ویژگی‌های خاصی دارد، مطالعات جامع و مدل‌محور کمتر دیده می‌شود. بنابراین، انجام پژوهشی که بتواند مدلی ساختاری از رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان دختر ارائه دهد و در آن نقش مستقیم و غیرمستقیم عوامل خانوادگی و تحصیلی به‌طور همزمان بررسی شود، ضروری و کاربردی به نظر می‌رسد. چنین پژوهشی می‌تواند علاوه بر غنای ادبیات علمی حوزه روان‌شناسی رشد و خانواده، راهنمایی ارزشمند برای سیاست‌گذاران آموزشی، مشاوران مدرسه، والدین و متخصصان سلامت روان در جهت طراحی مداخلات هدفمند و پیشگیرانه ارائه دهد. در نهایت، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان دختر بر اساس عملکرد خانواده و تعامل مادر-فرزند با نقش واسطه‌ای تنیدگی تحصیلی انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دختر شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود. حجم نمونه براساس پیشنهاد کلاین[1] (۲۰۲۳) برای پژوهش‌های مدل‌یابی، ۲۵۰ تا ۳۰۰ شرکت‌کننده کافی است. به جهت احتمال ریزش شرکت‌کنندگان، تعداد ۳۲۰ پرسشنامه توزیع شد که در پایان ۳۰۱ نفر به تمامی سؤالات پاسخ داده و وارد پژوهش شدند. ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، دانش‌آموز دختر، رده سنی بین ۱۶ الی ۱۸ سال و عدم مراجعه به روان‌شناس و روان‌پزشک در یک سال گذشته (با توجه به تایید یا عدم تایید این سوال در بخش جمعیت‌شناختی پرسشنامه‌ها) و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش، وجود داده‌های پرت و پاسخ ندادن به بیش از پنج درصد سوال‌ها بود. با رعایت کامل اصول اخلاقی در پژوهش، به کلیه شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان به صورت محرمانه است و صیانت از داده‌ها به طور کامل رعایت می‌گردد. تیم پژوهشی با به کارگیری تمهیدات لازم، از وقوع هرگونه آسیبی در ابعاد جسمانی، روانی و عاطفی به مشارکت‌کنندگان جلوگیری به عمل آورد. همچنین این حق برای شرکت‌کنندگان محفوظ گردید که در صورت تمایل، نسخه‌ای از یافته‌های تحقیق را دریافت نمایند. در گام نهایی، داده‌های حاصل با بهره‌گیری از روش تحلیل مسیر و از طریق نرم‌افزارهای آماری SPSS ویرایش ۲۷ و AMOS ویرایش ۲۴ مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه پرخاشگری[2] (AQ): نسخه جدید پرسشنامه پرخاشگری که نسخه قبلی آن تحت عنوان پرسشنامه خصومت بود، توسط باس و پری[3] (۱۹۹۲) مورد بازنگری قرار گرفته است. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است و شامل ۲۹ عبارت و چهار زیر مقیاس پرخاشگری بدنی[4]، پرخاشگری کلامی[5]، خشم[6] و خصومت[7] است. شرکت‌کنندگان به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه‌ای از: کاملاً شبیه من است (۵) تا حدودی شبیه من است (۴)، نه شبیه من است نه شبیه من نیست (۳) تا حدودی شبیه من نیست (۲) تا به شدت شبیه من نیست (۱). دو عبارت ۹ و ۱۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل برای پرخاشگری با مجموع نمرات زیر مقیاس‌ها به دست می‌آید. حداقل و حداکثر نمره در این پرسشنامه ۲۹ و ۱۴۵ است. لئون و همکاران (۲۰۰۲) پایایی به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۸۲ و روایی همگرا با مقیاس سیاهه خشم ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. غفار زاده نمازی و همکاران (۱۴۰۳) پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آوردند. در پژوهش سامانی (۱۳۸۶) روایی همزمان نسخه فارسی مقیاس پرخاشگری باس و پری، از طریق همبستگی عوامل خشم (۰/۷۳)، پرخاشگری (۰/۷۶)، رنجیدگی (۶۷) و بدگمانی (۰/۶۵) با نمره کل پرسشنامه مطلوب گزارش شد (نقل از رمضی و همکاران، ۱۴۰۴). به دست آمده است. همچنین در پژوهش حاضر برای بررسی ضریب پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۸۴ به دست آمد.

مقیاس عملکرد خانواده[8] (FAD): این مقیاس توسط اپستین[9] و همکاران (۱۹۸۳) طراحی شده و دارای ۵۳ گویه است. برای نمره‌گذاری مقیاس عملکرد خانواده به هر سوال ۱ تا ۴ نمره با استفاده از این کلیدواژه‌ها داده می‌شود و به پاسخ کاملاً موافقم ۱، موافق ۲،

1 Kline
2 Aggression questionnaire
3 Buss & Perry
4 physical aggression
5 verbal aggression
6 anger
7 hostility
8 Family Assessment Devices
9 Epstein

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]

مخالف ۳ و کاملاً مخالف نمره ۴ داده می‌شود. در این مقیاس، نمرات کمتر از ۱۱۰ بیانگر عملکرد مختل و نمرات بالاتر از ۱۴۶ عملکرد سالم است. اپستین و همکاران (۱۹۹۳) روایی این ابزار را به روش همبستگی آن با مقیاس رضایت زناشویی لاک – والاس[1] (۱۹۵۹) ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند. همچنین، آنان دامنه ضریب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌ها و کل ابزار را در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در ایران ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۷) پایایی این ابزار را با استفاده از روش بازآزمایی پس از ۲ ماه برای کل ابزار ۰/۹۴ و روایی آن به روش تحلیلی عاملی را بین ۰/۴۷ تا ۰/۶۱ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آمد.

مقیاس رابطه کودک-والد[2] (CPRS): این مقیاس که توسط پیانتا[3] (۱۹۹۷) تهیه شده، یک ابزار خود گزارش‌دهی است که به وسیله مادر یا پدر تکمیل می‌گردد و ادراک والدین از رابطه‌شان با فرزند خود را ارزیابی می‌کند. این مقیاس دارای ۳۰ گویه است و سه مؤلفه‌ی تعارض ۳ (۱۲ گویه)، نزدیکی ۴ (۱۰ گویه)، وابستگی ۵ (۴ گویه) را در روابط والد و کودک می‌سنجد. نمره‌گذاری بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (نمره ۵ برای کاملاً مخالفم و نمره ۱ برای کاملاً موافقم) است. نمره‌گذاری خرده‌مقیاس تعارض به صورت معکوس انجام می‌شود. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس، بر پایه مقایسه نمرات خط پایه (پیش‌آزمون) با پس‌آزمون و معنادار بودن این تفاوت انجام می‌شود. دریسکول[4] و پیانتا (۲۰۱۱) در پژوهش خود پایایی مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ در هر یک از خرده‌مقیاس‌های تعارض، نزدیکی و وابستگی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۶۹، ۰/۴۶ به دست آوردند و همبستگی درونی این زیر مقیاس‌ها به ترتیب برابر با ۰/۸۳، ۰/۷۲، ۰/۵۰ گزارش کردند. روایی محتوایی آن نیز توسط متخصصان مطلوب گزارش شد. باقری و غفاری‌جعفرزادگان (۱۳۹۲) در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، روایی صوری آن را بر اساس نظر متخصصان مطلوب گزارش کردند. همچنین بر اساس تحلیل عامل اکتشافی، مؤلفه‌های این مقیاس ۶۸/۲۱ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که بارهای عاملی هر یک از مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۶۰ است که بیانگر روایی سازه مناسب مقیاس است. علاوه بر این، پایایی مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های مربوطه به‌ترتیب برابر با ۰/۸۴، ۰/۶۹، ۰/۴۶ و ۰/۸۰ گزارش شده است (طاهری و همکاران، ۱۳۹۷). در پژوهش حاضر این مقیاس توسط مادران تکمیل گردید. ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۸۱ محاسبه شد.

مقیاس استرس تحصیلی برای نوجوانان[5] (ESSA): این مقیاس توسط سان[6] و همکاران (۲۰۱۱) ساخته شده است. این ابزار دارای ۱۶ گویه است که با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از یک تا پنج (۱=کاملا مخالفم تا ۵=کاملا موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. در این ابزار دامنه نمرات بین ۱۶ تا ۸۰ است و هر چقدر نمره فرد بیشتر باشد، به میزان بیشتری دارای استرس است. سان و همکاران (۲۰۱۱) پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و با روش بازآزمایی یک ماهه ۰/۷۸ گزارش کردند و همچنین روایی همگرای مقیاس استرس تحصیلی برای نوجوانان از طریق همبستگی مثبت و معنادار با مقیاس‌های افسردگی (۰/۵۰)، اضطراب (۰/۴۸) و استرس (۰/۵۲) تأیید گردیده است. در پژوهش آرام‌فر و زینالی (۱۳۹۴) پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ محاسبه شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که بارهای عاملی هر یک از مؤلفه‌ها بالاتر از ۰/۶۰ است که بیانگر روایی سازه مناسب مقیاس است (احمدی و زینالی، ۱۳۹۷). همچنین در پژوهش حاضر برای بررسی ضریب پایایی مقیاس از آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۸۱ به دست آمد.

یافته ها

در پژوهش حاضر ۳۰۱ دانش‌آموز دختر با میانگین و انحراف معیار سنی به ترتیب برابر با ۱۷/۳۲ و ۱/۱۰ سال شرکت کردند. تعداد ۱۰۰ نفر از آن‌ها در رشته‌ی انسانی، ۱۰۶ نفر در رشته‌ی تجربی و ۹۵ نفر در رشته‌ی ریاضی-فیزیک مشغول به تحصیل بودند. جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

1 Locke – Wallace
2 Child Parent Relationship Scale
3 Pianta
4 Driscoll
5 Educational Stress Scale for Adolescents
6 Sun

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. عملکرد خانواده	-							
۲. تعامل مادر-فرزند	۰/۳۸**	-						
۳. تنیدگی تحصیلی	-۰/۳۳**	۰/۴۶**	-					
۴. پرخاشگری بدنی	-۰/۲۹	-۰/۳۴	۰/۴۱**	-				
۵. پرخاشگری کلامی	-۰/۲۵	-۰/۳۱	۰/۴۴**	۰/۵۸**	-			
۶. خشم	-۰/۳۲	-۰/۳۹	۰/۵۲**	۰/۶۱**	۰/۶۴**	-		
۷. خصومت	-۰/۲۷	-۰/۳۶	۰/۴۸**	۰/۵۴**	۰/۵۹**	۰/۶۷**	-	
۸. رفتارهای پرخاشگرانه	-۰/۲۴**	-۰/۵۰**	۰/۵۳**	۰/۶۵**	۰/۶۹**	۰/۷۴**	۰/۷۱**	-
میانگین	۱۲۴/۸۸	۵۱/۲۳	۴۴/۷۲	۱۰/۹۲	۱۱/۸۴	۱۲/۴۷	۱۰/۸۱	۴۶/۰۴
انحراف معیار	۱۶/۷۲	۷/۱۰	۷/۷۸	۳/۰۱	۳/۲۷	۳/۴۲	۳/۱۹	۳/۸۳
کجی	-۰/۳۲۱	۰/۴۲۹	۰/۳۹۰	۰/۴۸۱	۰/۳۶۹	۰/۲۹۵	۰/۴۱۱	-۰/۵۳۲
کشیدگی	-۰/۳۴۱	-۰/۴۶۵	-۰/۶۲۹	-۰/۳۹۲	-۰/۴۱۸	۰/۴۱۴	-۰/۳۷۴	-۰/۴۵۴

* P‹۰/۰۵ **P‹۰/۰۱

جدول ۱ نشان داد که بین مولفه‌های رفتارهای پرخاشگرانه و نمره کل آن، عملکرد خانواده و تعامل مادر-فرزند رابطه منفی معناداری وجود دارد. از سویی دیگر جدول نشان داد که مولفه‌های رفتارهای پرخاشگرانه و نمره کل آن با تنیدگی تحصیلی رابطه مثبت و معناداری دارد (p=۰/۰۱). بر پایهٔ شاخص‌های چولگی و کشیدگی که برای همهٔ مؤلفه‌ها در دامنهٔ مجاز ۲± قرار داشت، فرض نرمال بودن توزیع داده‌های تک‌متغیری تأیید شد. همچنین، همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است، با توجه به مقادیر ضریب تحمل بالاتر از ۰/۱ و عامل تورم واریانس (VIF) کمتر از ۱۰، عدم وجود هم‌خطی میان متغیرهای پیش‌بین به‌دست آمد. برای ارزیابی نرمال بودن توزیع چندمتغیری، از تحلیل فاصلهٔ ماهالانوبیس[1] استفاده شد که مقادیر چولگی (۰/۹۱) و کشیدگی (۱/۱۹) حاصل از آن نیز در محدودهٔ ۲± قرار داشت و این فرض را تأیید کرد. افزون بر این، بررسی نمودار پراکندگی واریانس‌های استانداردشدهٔ خطاها، دال بر رعایت مفروضهٔ همگنی واریانس‌ها بود. در ادامه و مطابق با طرح ازپیش‌تعیین‌شده، داده‌ها با استفاده از تحلیل مسیر و در نرم‌افزار AMOS نسخهٔ ۲۴ و با به‌کارگیری روش برآورد بیشینهٔ درست‌نمایی (ML) تحلیل شدند. برازش مدل اندازه‌گیری در گام اول ارزیابی گردید و مسیرهای مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری در جدول ۲ ارائه شده است.

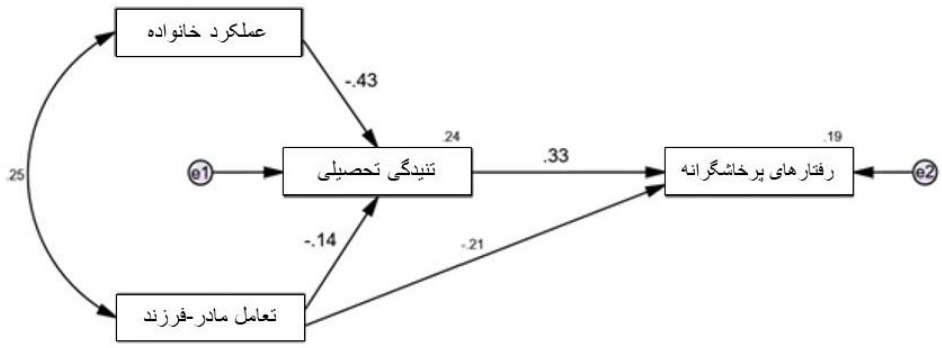

شکل ۱. مدل اصلاح شده رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان دختر بر اساس عملکرد خانواده و تعامل مادر-فرزند با نقش واسطه‌ای تنیدگی تحصیلی

شکل ۱، مدل اصلاح‌شدهٔ پژوهش حاضر را پس از حذف مسیرهای غیرمعنادار نشان می‌دهد. بر این اساس، مسیرهای فاقد معناداری آماری (شامل مسیر مستقیم عملکرد خانواده به رفتارهای پرخاشگرانه) از مدل نهایی حذف گردید (p<۰/۰۱). همچنین، مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با متغیر ملاک (رفتارهای پرخاشگرانه) در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است.

1 Mahalanobis distance

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	برآورد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
عملکرد خانواده	تنیدگی تحصیلی	-۰/۴۳۵	۰/۰۷۸	-۷/۶۴۱	۰/۰۰۱
تعامل مادر-فرزند	رفتارهای پرخاشگرانه	-۰/۲۱۲	۰/۰۱۶	-۵/۷۲۶	۰/۰۰۱
تعامل مادر-فرزند	تنیدگی تحصیلی	-۰/۱۴۳	۰/۰۱۲	-۳/۴۱۹	۰/۰۰۱
تنیدگی تحصیلی	رفتارهای پرخاشگرانه	۰/۳۳۰	۰/۰۳۶	۶/۶۳۴	۰/۰۰۱

جدول ۲ مسیرهای مستقیم بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس جدول ارائه‌شده، کلیه روابط مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل نهایی از نظر آماری در سطح p<۰/۰۰۱ معنادار هستند. نتایج نشان می‌دهد که عملکرد خانواده با ضریب ۰/۴۳۵- بر تنیدگی تحصیلی و تعامل مادر-فرزند به ترتیب با ضرایب ۰/۲۱۲- و ۰/۱۴۳- به طور مستقیم بر رفتارهای پرخاشگرانه و تنیدگی تحصیلی تأثیرگذار است. همچنین تنیدگی تحصیلی با ضریب ۰/۳۳۰ به صورت مستقیم بر رفتارهای پرخاشگرانه اثر می‌گذارد. در ادامه و در جدول ۳ ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده با بوت استراپ گزارش می‌شود:

جدول ۳. ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده با بوت استراپ

مسیر	Bootstrap	حد بالا	حد پایین	سطح معناداری
عملکرد خانواده← تنیدگی تحصیلی← رفتارهای پرخاشگرانه	-۰/۲۲۲	-۰/۱۶۹	-۰/۲۷۸	۰/۰۰۱
تعامل مادر-فرزند← تنیدگی تحصیلی← رفتارهای پرخاشگرانه	-۰/۰۲۰	-۰/۰۰۵	-۰/۰۳۵	۰/۰۴۴

جدول ۳ مسیرهای غیرمستقیم با استفاده از بوت‌استراپ را نشان می‌دهد. مسیر غیرمستقیم (عملکرد خانواده ← تنیدگی تحصیلی ← رفتارهای پرخاشگرانه) با ضریب ۰/۲۲۲- و سطح معناداری ۰/۰۰۱ از نظر آماری معنادار است. بازهٔ اطمینان ۹۵ درصدی این مسیر بین ۰/۲۷۸- تا ۰/۱۶۹- قرار دارد که عدم شامل شدن صفر در این بازه، تأییدکنندهٔ معناداری آماری است. مسیر غیرمستقیم (تعامل مادر-فرزند ← تنیدگی تحصیلی ← رفتارهای پرخاشگرانه) با ضریب ۰/۰۲۰- و سطح معناداری ۰/۰۴۴ از نظر آماری معنادار است. بازهٔ اطمینان ۹۵ درصدی این مسیر بین ۰/۰۳۵- تا ۰/۰۰۵- قرار گرفته و با توجه به اینکه این بازه شامل صفر نمی‌شود و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، این مسیر از نظر آماری معنادار محسوب می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد که تنیدگی تحصیلی در رابطه بین هر دو متغیر عملکرد خانواده و تعامل مادر-فرزند با رفتارهای پرخاشگرانه نقش واسطه‌ای معنادار ایفا می‌کند. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

شاخص برازندگی	دامنه قابل‌پذیرش	مدل اصلاح شده
نسبت خی‌دو به درجه آزادی	کم‌تر از ۵	۱/۱۴
معناداری (P)	۰/۰۱۸	۰/۴۸۱
درجه آزادی	-	۱
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۹
شاخص برازش هنجار نشده (NFI)	بزرگ‌تر از ۰/۹۰	۰/۹۸
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کم‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۱

جدول ۴ شاخص‌های برازش را نشان می‌دهد. نسبت خی‌دو به درجه آزادی (۱/۱۴) که مقداری کمتر از ۵ است، نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل است. شاخص‌های CFI، IFI، GFI و NFI به ترتیب با مقادیر ۰/۹۹، ۰/۹۹، ۰/۹۹ و ۰/۹۸ همگی بالاتر از حداقل استاندارد ۰/۹۰ قرار دارند که حاکی از برازش عالی مدل است. همچنین شاخص RMSEA با مقدار ۰/۰۲ که پایین‌تر از حد معیار ۰/۰۸ است، نشان می‌دهد که

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]

مدل واریانس و کوواریانس‌های داده‌ها را به خوبی تبیین می‌کند. در مجموع، با توجه به قرارگیری تمامی شاخص‌ها در دامنه قابل قبول و مطلوب، می‌توان نتیجه گرفت که مدل اصلاح‌شده از برازش بسیار مناسبی با داده‌های پژوهش برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش فعلی با هدف پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان دختر بر اساس عملکرد خانواده و تعامل مادر-فرزند با نقش واسطه‌ای تنیدگی تحصیلی انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که عملکرد خانواده به صورت غیر مستقیم و از طریق تنیدگی تحصیلی قادر به پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه بود. این یافته با پژوهش‌های کالارسی و همکاران (۲۰۲۵)؛ مارتینز یارزا و همکاران (۲۰۲۴)؛ اوهارا و همکاران (۲۰۲۴)؛ و کرافت و همکاران (۲۰۲۳) همسو بود. در تبیین یافته پژوهش حاضر می‌توان گفت که خانواده‌هایی با عملکرد پایین فاقد ساختارهای حمایتی مناسب، ارتباطات کارآمد و مهارت‌های حل مسئله مؤثر هستند. این کاستی‌ها موجب می‌شود نوجوانان در مواجهه با چالش‌های تحصیلی، فاقد منابع روانی-اجتماعی لازم برای مقابله سازگارانه باشند. زمانی که نوجوان در محیط خانوادگی فاقد حمایت عاطفی و راهنمایی مؤثر قرار گیرد، استرس‌های ناشی از محیط تحصیل اعم از انتظارات عملکردی، رقابت‌های علمی، یا حجم تکالیف به گونه‌ای فزاینده تجربه شده و از آستانه تحمل فرد فراتر می‌رود. این وضعیت به نوبه خود موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه به عنوان مکانیسمی ناسازگارانه برای تخلیه هیجانی می‌گردد (کالارسی و همکاران، ۲۰۲۵). از سوی دیگر، نوجوانانی که در خانواده‌های با عملکرد پایین پرورش می‌یابند، از ذخیره روان‌شناختی کمتری برای مدیریت محرک‌های استرس‌زای تحصیلی برخوردارند. فقدان راهبردهای تنظیم هیجانی که عموماً در بستر خانوادگی ناسالم آموخته می‌شود، موجب می‌شود این افراد در مواجهه با فشارهای آموزشی، به جای استفاده از راهکارهای مسأله‌محور، به پاسخ‌های تکانشی و پرخاشگرانه متوسل شوند. به علاوه، نوجوانانی که در خانواده‌های ناکارآمد رشد می‌کنند، اغلب الگوهای ناسالم مدیریت تعارض را درونی می‌سازند. هنگامی که این افراد با استرس‌های تحصیلی مواجه می‌شوند، همان الگوهای رفتاری ناسازگارانه از جمله پرخاشگری کلامی یا غیرکلامی را بازتولید می‌کنند. نوجوانان با دلبستگی ناایمن که در خانواده‌های با عملکرد پایین پرورش یافته‌اند، در موقعیت‌های استرس‌زای تحصیلی، احساس ناامنی بیشتری تجربه کرده و ممکن است برای جبران این احساس، به رفتارهای پرخاشگرانه به عنوان شیوه‌ای ناسازگارانه برای خود تنظیمی روی آورند (مارتینز یارزا و همکاران، ۲۰۲۴).

یافته دیگر پژوهش حاکی از آن بود که تعامل مادر-فرزند به صورت مستقیم و غیر مستقیم و از طریق تنیدگی تحصیلی قادر به پیش بینی رفتارهای پرخاشگرانه بود. این یافته با پژوهش‌های ماندا و دارمایانتی (۲۰۲۵)؛ گنیووش و همکاران (۲۰۲۳)؛ تانگ و همکاران (۲۰۲۳) و برلا و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین یافته پژوهش حاضر می‌توان اذعان داشت که از یک سو، تعامل مثبت با مادر، یک منبع پایه‌ای و دائمی برای ایجاد احساس امنیت، تعلق‌خاطر و پذیرش فراهم می‌آورد. این پیوند عاطفی امن، به نوجوان این توانایی را می‌دهد که جهان را با کمترین سطح از تهدید ادراک کند و در نتیجه، تمایل کمتری برای توسل به پرخاشگری به عنوان یک راهبرد دفاعی داشته باشد (پرایس و کیل، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، این رابطه نقش غیرمستقیم خود را از طریق کاهش آسیب‌پذیری روانی نوجوان در برابر استرس‌های محیطی، مانند تنیدگی تحصیلی، ایفا می‌کند. یک نوجوان که در رابطه با مادرش احساس درک شدن و حمایت می‌کند، در مواجهه با شکست‌ها، فشار امتحانات و انتظارات تحصیلی، از یک ضربه‌گیر عاطفی برخوردار است. این حمایت، ارزیابی او از رویدادهای استرس‌زا را تغییر می‌دهد؛ به طوری که چالش‌های تحصیلی را کمتر به عنوان یک تهدید وجودی می‌پندارد و در نتیجه، سطح تنیدگی تحصیلی کمتری را تجربه می‌کند. از آنجا که استرس کاهش‌یافته با برانگیختگی هیجانی کمتری همراه است، احتمال بروز رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه نیز به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد (برلا و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر این، رابطه مادر-فرزند با کیفیت بالا، به عنوان یک بستر آموزشی برای یادگیری مهارت‌های حل مسئله و تنظیم هیجان عمل می‌کند. نوجوانانی که در تعاملات روزمره خود با مادر، الگوهای ارتباطی سازنده و روش‌های مدیریت تعارض را می‌آموزند، این مهارت‌ها را به عرصه تحصیل تعمیم می‌دهند. آن‌ها هنگامی که با یک مسئله سخت درسی یا یک نمره پایین مواجه می‌شوند، به جای واکنش خشمگینانه، از راهبردهای مسأله‌محور مانند برنامه‌ریزی یا درخواست کمک استفاده می‌کنند. این امر به نوبه خود، منبع استرس را در نطفه خنثی کرده و از تجمیع آن برای تبدیل شدن به یک تنیدگی تحصیلی فلج‌کننده جلوگیری می‌کند. در نهایت، یک دلبستگی ایمن به مادر، یک پایگاه امن روانی برای نوجوان فراهم می‌کند که جست‌وجوگری و استقلال او در محیط‌های چالش‌برانگیزی مانند مدرسه را تسهیل می‌کند. این نوجوان با اطمینان از پشتیبانی یک رابطه

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]

مطمئن، با اعتماد به نفس بیشتری با الزامات تحصیلی روبرو می‌شود و در نتیجه، فشار روانی کمتری را متحمل شده و نیازی به استفاده از پرخاشگری برای مقابله احساس نمی‌کند (گنیووش و همکاران، ۲۰۲۳).

در مجموع یافته‌ها نشان دادند که کیفیت عملکرد خانواده و تعامل مادر-فرزند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان دارند. عملکرد خانواده از طریق ایجاد ساختارهای حمایتی و مهارت‌های حل مسئله، به نوجوانان کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های تحصیلی، از مکانیسم‌های سازگارانه‌تری استفاده کنند و از این مسیر غیرمستقیم، از بروز پرخاشگری پیشگیری می‌کند. از سوی دیگر، تعامل مثبت مادر-فرزند هم به‌طور مستقیم با ایجاد احساس امنیت و کاهش رفتارهای دفاعی، و هم به‌طور غیرمستقیم با تقویت تاب‌آوری روانی در برابر استرس‌های تحصیلی، موجب کاهش رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود. در واقع، این یافته‌ها بر اهمیت بنیادین محیط خانوادگی سالم و روابط عاطفی غنی به عنوان عاملی کلیدی در پیشگیری از آسیب‌های رفتاری نوجوانان تأکید می‌کنند. محدودیت‌های این پژوهش شامل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و محدود بودن جامعه آماری به دانش‌آموزان دختر شهر اهواز است که تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌سازد. همچنین، ماهیت همبستگی و تحلیل مسیر امکان استنتاج علی قطعی را فراهم نمی‌سازد و اتکای پژوهش به پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی ممکن است تحت تاثیر سوگیری‌های فردی و اجتماعی قرار گرفته باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی و جامعه‌های متنوع‌تر شامل هر دو جنس و مناطق مختلف جغرافیایی استفاده شود. در سطح کاربردی، نتایج این پژوهش بر ضرورت طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی برای والدین به ویژه مادران در جهت بهبود عملکرد خانواده و تقویت مهارت‌های ارتباطی، و همچنین ایجاد کارگاه‌های مدیریت استرس تحصیلی برای دانش‌آموزان در مدارس تأکید دارد.

منابع

احمدی، ژ؛ و زینالی، ع. (۱۳۹۷). تاثیر اعتیاد به شبکه های اجتماعی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان: نقش میانجی کیفیت خواب، اهمال کاری تحصیلی و استرس تحصیلی. *پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۲(۲۲)، ۲۱-۳۲. https://www.doi.org/10.30473/etl.2018.5138

آرامفر، ر؛ و زینالی، ع. (۱۳۹۴). رابطه تنیدگی تحصیلی و کمک طلبی آموزشی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. *آموزش و ارزشیابی*، ۸(۳۱)، ۳۷-۴۸. https://sid.ir/paper/183333/fa

باقری، ف؛ و غفاری جعفر زادگان، ف. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و مدل نظری پرسشنامه الگوی ارتباط والد -فرزند. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۴(۱۲)، ۴۱-۷۰. https://jem.atu.ac.ir/article_5661.html

ذوالفقاری، ح؛ سیدزاده دلویی، ا؛ فرخی، ح؛ مصطفی پور، و؛ علیشاهی، ع؛ و مافی اصل، س. (۱۳۹۷). مقایسه کارکردهای خانوادگی بیماران اختلال خوردوخوراک با افراد سالم براساس مدل مک‌مستر. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۸، ۵۹-۵۹. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23222840.1397.8.0.107.2

رمضی، ع؛ ذوالفقاری، ع؛ و زنگنه مطلق، ف. (۱۴۰۴). اثربخشی آموزش ذهنی‌سازی بر پرخاشگری و پیشگیری از رفتار آسیب به خود در نوجوانان. *رویش روان شناسی*، ۱۴ (۱۱)، ۱۴۱-۱۵۰. http://frooyesh.ir/article-1-6441-fa.html

طاهری، ف؛ ارجمندنیا، ع؛ و افروز، غ. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش برنامه ی فرزندپروری مثبت بر ارتباط والدین باکودک آهسته گام. *توانمند سازی کودکان استثنایی*، ۹(۳)، ۱۱۱-۱۲۱ https://sid.ir/paper/262554/fa

غفار زاده نمازی، ر؛ یار یاری، ف؛ و هاشمی رزینی، ه. (۱۴۰۳). پیش بینی پرخاشگری در نوجوانان بر اساس کیفیت روابط بین فردی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان. *رویش روان شناسی*، ۱۳ (۳)، ۱۱-۲۰. http://frooyesh.ir/article-1-5024-fa.html

Berla, N., Peisch, V., Thacher, A., Pearlstein, J., Dowdle, C., Geraghty, S., & Cosgrove, V. (2022). All in the Family: How Parental Criticism Impacts Depressive Symptoms in Youth. *Research on child and adolescent psychopathology*, *50*(1), 27–35. https://doi.org/10.1007/s10802-021-00809-w

Branje, S., de Moor, E. L., Spitzer, J., & Becht, A. I. (2021). Dynamics of Identity Development in Adolescence: A Decade in Review. *Journal of research on adolescence : the official journal of the Society for Research on Adolescence*, *31*(4), 908–927. https://doi.org/10.1111/jora.12678

Brites, R., Brandão, T., Nunes, O., Hipólito, J., & Pires, C. T. (2025). The Impact of Caregiving on Informal Caregivers of People with Dementia: Family Functioning, Burden, and Burnout. *Journal of clinical psychology in medical settings*, *32*(2), 325–335. https://doi.org/10.1007/s10880-024-10052-2

Buss, A. H., & Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, *63*(3), 452–459. https://doi.org/10.1037/0022-3514.63.3.452

Calaresi, D., Verrastro, V., Giordano, F., & Saladino, V. (2025). The Long-Term Effects of Emotional Neglect on Family Functioning and Anxiety Symptoms in Adolescents. *Journal of Family Violence*, 1-11. https://doi.org/10.1007/s10896-025-01011-y

Cure Acer, S. (2023). Anger and aggression in family dynamics. In C. R. Martin, V. R. Preedy, & V. B. Patel (Eds.), *Handbook of anger, aggression, and violence* (pp. 67–84). Springer Nature Switzerland AG. https://doi.org/10.1007/978-3-031-31547-3_6

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]

De Raeymaecker, K., & Dhar, M. (2022). The Influence of Parents on Emotion Regulation in Middle Childhood: A Systematic Review. *Children (Basel, Switzerland)*, *9*(8), 1200. https://doi.org/10.3390/children9081200

Driscoll, K., & Pianta, R. C. (2011). Mothers' and fathers' perceptions of conflict and closeness in parent-child relationships during early childhood. *Journal of Early Childhood and Infant Psychology*, *7*, 1–24. https://psycnet.apa.org/record/2013-00755-001

Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy*, *9*(2), 171–180. https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1983.tb01497.x

Fauzi, F. A., Zulkefli, N. A. M., & Baharom, A. (2023). Aggressive behavior in adolescent: The importance of biopsychosocial predictors among secondary school students. *Frontiers in public health*, *11*, 992159. https://doi.org/10.3389/fpubh.2023.992159

Gasser, P., Grajeda, A., Cordova, J. P., La Fuente, I., Cordova, P., Naranjo, H., & Sanjinés, A. (2025). Mental cost in higher education: A comparative study on academic stress as a predictor of mental health in university students during and after the COVID-19 pandemic. *Cogent Education*, *12*(1), 2445968. https://doi.org/10.1080/2331186X.2024.2445968

Goagoses, N., Bolz, T., Eilts, J., Schipper, N., Schuetz, J., Rademacher, A., ... & Koglin, U. (2023). Parenting dimensions/styles and emotion dysregulation in childhood and adolescence: a systematic review and Meta-analysis. *Current Psychology*, *42*(22), 18798-18822. https://doi.org/10.1007/s12144-022-03037-7

Gniewosz, G., Katstaller, M., & Gniewosz, B. (2023). Adolescents' psychological adjustment during challenging times: The role of mothers', fathers', and adolescents' ratings of parental warmth. *Developmental Psychology*, *59*(1), 112–127. https://doi.org/10.1037/dev0001473

Hayes, N. L., & Anderson, C. A. (2024). Development and validation of the Forms and Functions of Aggressive Behavior Scale. *Aggressive behavior*, *50*(6), e70001. https://doi.org/10.1002/ab.70001

Jagiello, T., Belcher, J., Neelakandan, A., Boyd, K., & Wuthrich, V. M. (2025). Academic Stress Interventions in High Schools: A Systematic Literature Review. *Child psychiatry and human development*, *56*(6), 1836–1869. https://doi.org/10.1007/s10578-024-01667-5

Jimenez, A. L., Banaag, C. G., Jr., Arcenas, A. M. A., & Hugo, L. V. (2024). Adolescent development. In A. Tasman, M. B. Riba, R. D. Alarcón, C. A. Alfonso, S. Kanba, D. Lecic-Tosevski, D. M. Ndetei, C. H. Ng, & T. G. Schulze (Eds.), *Tasman's psychiatry* (5th ed., pp. 309–351). Springer Nature Switzerland AG. https://doi.org/10.1007/978-3-030-51366-5_106

Kline, R. B. (2023). Principles and practice of structural equation modeling. Guilford publications. https://psycnet.apa.org/record/2010-18801-0000

Kraft, L., Ebner, C., Leo, K., & Lindenberg, K. (2023). Emotion regulation strategies and symptoms of depression, anxiety, aggression, and addiction in children and adolescents: A meta-analysis and systematic review.*Clinical Psychology: Science and Practice*, *30*(4), 485–502. https://doi.org/10.1037/cps0000156

Kyranides, M. N., Mirman, J. H., & Sawrikar, V. (2024). Verbal, physical and relational aggression: Individual differences in emotion and cognitive regulation strategies. *Current Psychology*, *43*(19), 17673-17683. https://doi.org/10.1080/10926771.2021.1994495

Locke, H. J., & Wallace, K. M. (1959). Short marital-adjustment and prediction tests: Their reliability and validity. *Marriage & Family Living*, *21*, 251–255. https://doi.org/10.2307/348022

Manda, D., & Darmayanti, D. P. (2025). The Role of Parenting Style on Aggressive Behavior of Junior High School Adolescents. *Celebes Journal of Elementary Education*, *3*(1), 37-46. https://doi.org/10.31605/cjee.v3i1.5181

Martinez-Yarza, N., Solabarrieta-Eizaguirre, J., & Santibáñez-Gruber, R. (2024). The impact of family involvement on students' social-emotional development: The mediational role of school engagement. *European Journal of Psychology of Education.* Advance online publication. https://doi.org/10.1007/s10212-024-00862-1

O'Hara, K. L., Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2024). Interparental conflict and adolescent emotional security across family structures. *Family process*, *63*(1), 265–283. https://doi.org/10.1111/famp.12872

Pianta, R. C. (1997). Adult-child relationship processes and early schooling. *Early Education and Development*, *8*(1), 11–26. https://doi.org/10.1207/s15566935eed0801_2

Price, N. N., & Kiel, E. J. (2022). Longitudinal Links among Mother and Child Emotion Regulation, Maternal Emotion Socialization, and Child Anxiety. *Research on child and adolescent psychopathology*, *50*(2), 241–254. https://doi.org/10.1007/s10802-021-00804-1

Rost, K., Ziegenhain, U., Fegert, J. M., Buchheim, A., & Köhler-Dauner, F. (2024). Maternal insecure attachment representation as a long-term risk factor for disrupted mother-child-interaction and child mental health. *BMC psychology*, *12*(1), 385. https://doi.org/10.1186/s40359-024-01874-8

Sun, J., Dunne, M. P., Hou, X., & Xu, A. (2011). Educational Stress Scale for Adolescents: Development, Validity, and Reliability With Chinese Students: Development, Validity, and Reliability With Chinese Students. *Journal of Psychoeducational Assessment*, *29*(6), 534-546. https://doi.org/10.1177/0734282910394976

Tang, Y., Li, S., Ma, L., Zheng, Y., & Li, Y. (2023). The effects of mother-father relationships on children's social-emotional competence: The chain mediating model of parental emotional expression and parent-child attachment. *Children and Youth Services Review*, *155*, 1–11. https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2023.107227

Zhang, Y., Liu, J., Wang, X., Cheng, J., Wang, X., Zheng, C., Liu, Q., & Li, W. (2025). Depression and Anxiety as Mediators Between Family Functioning and Academic Burnout in First-Year Traditional Chinese Medicine Students. *Psychology research and behavior management*, *18*, 1717–1727. https://doi.org/10.2147/PRBM.S531311

Zimmer-Gembeck, M. J., Rudolph, J., Kerin, J., & Bohadana-Brown, G. (2022). Parent emotional regulation: A meta-analytic review of its association with parenting and child adjustment. *International Journal of Behavioral Development*, *46*(1), 63–82. https://doi.org/10.1177/01650254211051086

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-16]